میزخبر

عرضه شیرخشک با کد ملی و بدون سقف دریافت

مدیرکل امور فرآورده های طبیعی، سنتی و مکمل سازمان غذا و دارو با اعلام اقدامات انجام شده در جهت تأمین نیاز بازار به شیرخشک از دو مسیر تولید داخل و واردات و وفور این محصول در هفته های آتی، در عین حال برلزوم ثبت سامانه ای محصول در داروخانه ها جهت جلوگیری از قاچاق معکوس و خروج آن از زنجیره تأمین، تأکید کرد.
دکتر منوچهر دادگرنژاد در گفت وگو با ایسنا، با اشاره به تأمین شیرخشک مورد نیاز از دو مسیر تولید داخل و واردات، گفت: تولیدکنندگان داخلی شیرخشک با تمام ظرفیت در حال تأمین بازار هستند و تولیدات آن ها روزانه در سطح کشور توزیع می شود.
وی همچنین تأکید کرد: به دنبال رفع مشکلات ارزی، جهت واردات فوریتی این محصول نیز فراخوان داده شده است و در مجموع در پی اقدامات انجام شده، در هفته های آتی شاهد وفور این محصول در کشور خواهیم بود. مدیرکل امور فرآورده های طبیعی، سنتی و مکمل سازمان غذا و دارو همچنین به الزام ارائه شیرخشک با ثبت کد ملی و تاریخ تولد نوزاد در داروخانه ها اشاره کرد و گفت: به جهت حمایت از مصرف کننده، به شیرخشک ارز ۴۲۰۰ تومانی تعلق می گیرد؛ بنابراین به دلیل اختلاف قیمت موجود، احتمال خروج شیرخشک ها از زنجیره و قاچاق معکوس آن و یا استفاده در مصارف دیگر نظیر شیرینی فروشی ها و... وجود داشت. به همین دلیل ارائه این محصول با کد ملی و تاریخ تولد نوزاد و ثبت در سامانه تی تک از ۲۰ مهرماه الزام آور شد تا طول زنجیره تأمین تا مصرف قابل رصد باشد. وی در همین راستا تأکید کرد: بنابراین از ۲۰ مهرماه داروخانه ها موظف اند کد ملی نوزادان را ثبت کنند در غیر این صورت طبق قانون برخورد می شود.
ثبت سامانه ای شیرخشک ها ضمن آنکه کمک می کند تا این محصول از زنجیره تأمین خارج نشود و به دست مصرف کننده واقعی برسد، در عین حال میزان نیاز کشور به صورت واقعی را مشخص می کند و به این ترتیب می توان براساس آن سیاست گذاری کرد. دادگرنژاد تأکید کرد: با توجه به برنامه ریزی های صورت گرفته، در هفته های آتی شاهد وفور شیرخشک در کشور خواهیم بود و در حال حاضر نیز محدودیتی در تأمین نداریم، شرکت ها در حال همکاری هستند و شیرخشک در حال توزیع در راستان هاست.
وی همچنین در پاسخ به سؤال ایسنا درباره این که با توجه به سیاست گذاری های صورت گرفته، آیا سقف دریافت برای هر کد ملی وجود دارد یا خیر؟ گفت: هیچ سقفی برای داروخانه و مصرف کننده تعیین نشده است. دادگرنژاد همچنین درباره چگونگی ارائه شیرخشک به اتباع و افراد فاقد شناسنامه نیز گفت: برای اتباع و افراد فاقد شناسنامه نیاز معاونان غذا و داروی سراسر کشور خواسته ایم که با همکاری اداره ثبت استانی، یک کد مجازی تهیه و به ما اعلام شود تا برای اتباع و افراد فاقد شناسنامه نیز سهمیه در نظر گرفته شود. در مجموع داروخانه ها موظف اند هرکسی که مراجعه کرد شیرخشک را با کد ملی تحویل دهند.

ضرورت توجه ویژه به ایمنی در صنعت بیمارستان‌سازی

رئیس کنگره بین المللی ساخت بیمارستان، با اشاره به وضعیت جغرافیایی تهران، بر ضرورت توجه ویژه به ایمنی در صنعت بیمارستان سازی تأکید کرد.
به گزارش ایسنا، بنابر اعلام روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دکتر علیرضا زالی در مراسم افتتاحیه هشتمین کنگره تخصصی و پنجمین کنگره بین المللی ساخت بیمارستان و مدیریت منابع و تجهیزات که در سالن همایش های بین المللی رازی برگزار شد، تداوم در برگزاری این کنگره را حاصل هشت سال تلاش مستمر و پیوسته دانست که ترجمانی از همت بلند مسئولان و دست اندرکاران این حوزه است. وی تأکید کرد: فرآیند ساخت وساز بیمارستانی در کشور مدل چالاکی را در پیش گرفته و امروزه شاهد فرآیند رو به تزاید ساخت بیمارستان های متعدد و مدرن و توسعه زیرساخت های درمانی و تخت های بیمارستانی در کشور هستیم.
رئیس دانشگاه با پاسخ به این سؤال که آیا ساخت بیمارستان در تضاد با رویکرد وزارت بهداشت به منظور گسترش زیرساخت های بهداشتی است یا خیر، اظهار کرد: نهضت بیمارستان سازی می تواند توأمان با استراتژی موزون، بدون غفلت از زیرساخت های بهداشتی باشد. تقدم پیشگیری بر درمان در کشور به ویژه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی هیچ گاه مورد بی توجهی نبوده و افتتاح و بهسازی مراکز بهداشتی در این دانشگاه نشان از تفکر منطقی و راهبردی توسعه زیرساخت های بهداشتی در پایتخت دارد.

نتایج آزمون دبیری تا آخر مهرماه اعلام می‌شود

رئیس مرکز برنامه ریزی، منابع انسانی و امور اداری وزارت آموزش وپرورش پیش بینی کرد که نتایج آزمون دبیری تا آخر مهرماه اعلام می شود.
علی خالقی در ویژه برنامه گفت وگو که از شبکه شاد به صورت زنده پخش شد اظهار کرد: پیش بینی شده است نتایج آزمون دبیری تا آخر مهرماه اعلام شود. امیدواریم زودتر اعلام شود اما به دلیل سبک ارزیابی که امسال وجود داشت و تغییر سیستم برنامه ریزی امیدواریم تا پایان ماه جاری اعلام شود.
وی با بیان این که برای اولین بار در چند سالی که آزمون استخدامی ماده ۲۸ برگزار می شد، امسال رایزنی کردیم تا تکمیل ظرفیت هم برای این آزمون ها صورت گیرد، توضیح داد: سازمان استخدامی هم با ما همکاری کردند. دفترچه تکمیل ظرفیت آموزگاری را تحویل دادیم و با سازمان اداری و استخدامی نشستی داشتیم و تحویل سازمان سنجش شده و دیروز نیز اعلام شد. رئیس مرکز برنامه ریزی منابع انسانی و امور اداری وزارت آموزش وپرورش در پاسخ به این که رتبه بندی و احکام جدید چه زمانی اعلام می شود، تصریح کرد: بررسی اولیه تمام اعتراضات صورت گرفته و به اتمام رسیده و رتبه بندی انجام شده است. رتبه های یک و ۲ را باید هیئت ممیزه دراستان ها رسیدگی می کردند که ابلاغ شد. ماه قبل پس از رسیدگی به اعتراضات، ۵۹ هزار حکم جدید در رتبه بندی صادر و در کارتابل های اداری استان ها قرار داده شد و حتی معوقه ۶ ماهه هم واریز شد. خالقی در مورد صدور احکام بازنشستگی ها، تصریح کرد: احکام تعداد زیادی از بازنشسته ها صادر شده است. این ها را در اولویت قرار داده بودیم و بقیه هم در حال بررسی هستند.
وی در بخش دیگر سخنان خود تصریح کرد: در حال حاضر دیگر جهان هوشمند شده است و سیستم ها کارهای اصلی را انجام می دهند. فردی از برخی استان ها به تهران آمده و پیگیر کار است که اصلا لزومی ندارد. کارها از طریق سامانه انجام می شود و شرمندگی این امر فقط برای مامی ماند لذا اگر موردی بود از طریق استان ها پیگیر باشند.
رئیس مرکز برنامه ریزی منابع انسانی و امور اداری وزارت آموزش وپرورش در پایان سخنان خود تصریح کرد: جلسات ستاد مرکزی رتبه بندی هفتگی برگزار می شود و فعالیت کارگروه ها را رصد می کنیم.

دادستانی تهران:

تپسی مکلف شد مشکلات سرویس مدارس را رفع کند

دادستانی تهران اعلام کرد: شرکت تپسی مکلف شد ظرف یک هفته مشکلات سرویس مدارس را رفع کند و در صورت انصراف خانواده ها از دریافت خدمات سرویس، وجوه دریافتی را بلافاصله مسترد دارد. به نقل از قوه قضائیه، به منظور بررسی و رفع مشکلات پیش آمده در خصوص نحوه ارائه خدمات سرویس مدارس به دانش آموزان از سوی شرکت تپسی، مدیرعامل این شرکت و نمایندگان شهرداری تهران و آموزش وپرورش به دادستانی تهران فراخوانده شدند.
در این جلسه تأکید شد که فعالیت پیمانکاران در حوزه حمل ونقل دانش آموزی منوط به اخذ گواهی صلاحیت از مرجع ذیصلاح است و شرکت های ارائه دهنده خدمات هوشمند مسافر (اینترنتی) از این موضوع مستثنی بوده و با اخذ مجوز صلاحیت از وزارت کشور و با احراز شرایط، می توانند نسبت به خدمات دهی به دانش آموزان اقدام کنند.
در این جلسه اعلام شد که قبل از شروع مدارس، ۹۰ هزار راننده در طرح سرویس مدارس در شرکت تپسی ثبت نام کرده اند که با توجه به نزدیک شدن به زمان بازگشایی مدارس، این تعداد به ۶ هزار نفر کاهش یافت و متعاقبا در روز اول سال تحصیلی حدود ۶۰ درصد دیگر از رانندگان نیز انصراف دادند و ارائه خدمات عملا از پنجم مهرماه آغاز شد.
با دستور دادستانی تهران، با توجه به ثبت نام بیش از ۱۲ هزار دانش آموز در این طرح جهت بهره مندی از خدمات سرویس مدرسه و با توجه خدمات دهی ضعیف شرکت تپسی که نارضایتی عمومی را به دنبال داشته، مقرر شد این شرکت به تعهدات خود در زمینه سرویس دهی به دانش آموزان، عمل کند.
همچنین با توجه به این که شرکت تپسی به منظور ارائه سرویس حمل ونقل به دانش آموزان، در مرحله پیش ثبت نام از هر خانواده مبلغ ۵۰۰ هزار تومان دریافت کرده و در حال حاضر نیز به علت حجم گسترده ثبت نام، توان ارائه خدمات در شهر تهران را ندارد و با توجه به گزارش مدیرعامل شرکت تپسی که برای خروج از این معضل، تخصیص ۱۰۰۰ دستگاه تاکسی دیگر را ضروری اعلام کرد، مقرر شد معاونت حمل ونقل و ترافیک شهری تهران برای سرویس دهی بهتر به دانش آموزان، اجرای طرح های تشویقی و تکلیفی لازم را در دستور کار قرار دهد.
با توجه به این که ۹۰ درصد خانواده ها پس از انصراف از شرکت در طرح خدمت سرویس مدارس تپسی، وجوه واریزی خود را دریافت کرده اند، مقرر شد معاونت حمل ونقل شهرداری تهران و مدیرعامل شرکت تپسی، نواقص و اشکالات موجود را مرتفع و ظرف یک هفته نتایج را به دادستانی گزارش دهند. با دستور دادستانی تهران، شرکت تپسی مکلف شد وجوه پرداختی توسط خانواده هایی که درخواست انصراف از خدمات سرویس آن شرکت را دارند، بلافاصله به آنان مسترد کند.

از موج خطرناک افغان هراسی تا فرصت حضور مهاجران در کشور

مهاجران افغان فرصتی برای ایران

گروه اجتماعی

خبرسازی های جعلی وشایعه پردازی درباره حضور افاغنه در ایران و پیامدهای ناخوشایند آن در رسانه های خارجی و شبکه های اجتماعی در حال نشر و بازنشر است؛ انتشاری که تنها مقصود آن سیاه نمایی حضور مهاجران افغان در ایران و به تبع آن ایجاد نگرانی برای مردم ایران است. حتی مطالبی در برخی جراید رسمی یا نیمه رسمی منتشر شده که لحنی بسیار بیگانه ستیز و غیرنوع دوستانه دارد.
حضور مهاجران افغانستانی اتفاق تازه ای نیست، ده شصت جمعیت آن ها که به علت جنگ و ناآرامی ها وارد ایران شدند نیز میلیونی بود، در سه دهه بعدی هم این روند ادامه داشت، حالا، اما موج جدیدی از مهاجرهراسی در فضای مجازی و واقعی در جریان است.
بدون تردید حضور مهاجران در چارچوب قانونی و حساب شده را می توان فرصتی بزرگ قلمداد کرد. البته اقامت بدون ضابطه و نحوه ورود غیرقانونی عوارض و تبعاتی دارد و برای کمک رسانی بهتر به آن ها و هماهنگی بین دستگاه ها، ساماندهی اتباع خارجی ضروری است. وقتی تعداد مهاجران به یک باره افزایش می یابد، مسئله به بحران تبدیل شده و ساختارهای کشور با مشکلاتی روبه رو می شوند. چالش را باید به شکلی حل کرد که به نفع همه نوبتام و ضمن رعایت حقوق مهاجران، منافع آنان به جامعه میزبان هم برسد.
وقتی مهاجران مدت زیادی در کشور حضور دارند به نوعی شهروند محسوب می شوند و باید از همه حقوق آن برخوردار شده و امکان دسترسی به شغل مناسب برای آنان فراهم شود. حتی برخی از مشاغل در ایران تنها به دست نیروی کار افغانستانی انجام می شود، این بحث که مهاجران اشتغال را ضعیف می کنند مقرون به واقع نیست. مهاجران قاعدتا می توانند آثار بسیار مثبتی بر توسعه اقتصادی ایران بگذارند.
طبق آمار سازمان ملی مهاجرت، ۴ میلیون و ۱۰۰ هزار اتباع افغانستانی در ایران حضور دارند؛ «احمد وحیدی» وزیر کشور هم در تازه ترین اظهارات خود از حضور ۵ میلیون افغانستانی در ایران سخن گفته است. با وجود تعداد بالای مهاجران، مردم ایران و افغانستان زیستی مسالمت آمیز در پیش گرفته اند و از گذشته تا به امروز ایران به خوبی از خواهران و برادران افغانستانی خود پذیرایی کرده است؛ اما عده ای با دامن زدن به افغان هراسی می کوشند تا جامعه را علیه آنان تحریک کنند. در این میان به کودکان مهاجر هم رحم نکرده و تحصیل آنان در ایران را هزینه بر توصیف می کنند! حال این که ۸ سال پیش دستور رهبر انقلاب مبنی بر تحصیل همه مهاجرین افغانستانی در مدارس دولتی صادر شد. در این فرمان تاریخی به صراحت ذکر شده بود: «همه کودکان افغانستانی، چه آن هاکه دارای شرایط قانونی حضور در ایران هستند و چه آن هاکه مدارک قانونی حضور در ایران را ندارند باید در مدارس دولتی ثبت نام شوند.»
روزنامه «رسالت» قصد دارد به جهت اهمیت این سوژه، در گفت وگو با صاحب نظران تحلیلی واقع بینانه و دورنمایی واقعی از فرصت ها و تهدیدهای این مسئله ارائه کند. در این شماره حمیدرضا بوالی، فعال حوزه مهاجران افغانستانی نکات مهمی را تشریح کرده که متن آن را در ادامه از نظر می گذرانید.

***

به راه افتادن موج خطرناکی از مهاجرستیزی همراه با اخبار و تحلیل های ناصحیح در برخی رسانه ها موجب شده تا مسئله تحصیل کودکان افغانستانی در ایران از سوی برخی کارشناسان به شکل نادرستی تحلیل شود. حتی گروهی به این موضوع بادید تهدید نگریسته و می گویند هزینه ای که برای تحصیل این دانش آموزان صرف می شود باید به دانش آموزان خودمان اختصاص یابد. با این حال گروهی دیگر که از زاویه درستی به موضوع نگاه می کنند، معتقدند گرچه تحصیل کودکان مهاجر ممکن است هزینه بر باشد اما فرصتی برای ماست. نقطه نظر شما در این باره چیست؟

ما می توانیم به مسئله تحصیل کودکان افغانستانی در ایران چند نوع نگاه داشته باشیم، یک نوع، نگرش انسانی که به تعبیر من همان انقلابی است و تفاوتی بین نگاه آرمانی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ و نگاه انسانی قائل نیستم. گروهی از آدم های مظلوم و مستضعف به سرزمین ایران پناه آورده اند و تحصیل کودکان حقوق اولیه و بدیهی است، کودکانی که مکان زندگی شان را انتخاب نکرده اند. آن ها به واسطه تصمیم بزرگترهایشان در شرایط مهاجرتی قرار گرفته اند و انسانیت حکم می کند که حقوق اولیه آن ها تحت تأثیر آن تصمیم قرار نگیرد. دستور تاریخی رهبر انقلاب مبنی بر تحصیل همه کودکان افغانستانی فارغ از برگه اقامتی و هویتی نیز در واقع سند صریح وجود این نگاه کلان نگر انسانی در سطح حاکمیتی در ایران است. آنچه برای آن انقلاب شد، اهمیت دادن به انسان بود، فارغ از این که فرد چه ملیت، دین و تفاوتی با ما دارد. اما معتقدم حتی اگر نگاهمان به مقوله تحصیل مهاجران اقتصادی باشد، چند مسئله مهم است، ابتدا باید توجه کرد که مطابق اظهارات رئیس امور بین الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش وپرورش، در سال ۳۳۵ میلیون دلار (معادل ۱۰ هزار میلیارد تومان) برای همه دانش آموزان اتباع و ۵۲۷ دلار (معادل ۱۵ میلیون تومان) برای هر دانش آموز اتباع هزینه می شود که در این باره چند نکته حائز اهمیت است. اول این که، این ۳۳۵ میلیون دلار خالص هزینه ای است که برای دانش آموزان مهاجر صرف می شود و بخشی از آن برمی گردد، دانش آموزان مهاجر برای تحصیل مبلغی پرداخت می کنند و این گونه نیست که به شکل صد درصد رایگان تحصیل کنند و تمام هزینه از جیب دولت پرداخت شود. در کنار این مسئله، کمک هزینه بین المللی برای تحصیل مهاجران افغانستانی به ایران پرداخت می شود، هرچند رقم کمی است و علی رغم پذیرش تعداد بالای مهاجر در ایران، از جهت کمک های بین المللی بنا به دلایلی چندان نتوانستیم بهره مالی ببریم، به هرترتیب مبالغی به ایران پرداخت می شود که آن ها را باید در محاسباتمان کسر کنیم، با این وجود هزینه ای که برای دانش آموزان مهاجر پرداخت می کنیم، رقم بزرگی نیست. نکته مهم بعدی این است که درایده های نوحکمرانی با این دیدمحدود وصرفا اقتصادی به موضوع نگاه نمی شود. به عنوان مثال کشورها با هرنوع سیاستی در ساختارهای مختلف، بحث نفوذ را در حوزه دیپلماسی دنبال می کنند. به این مفهوم که سالانه میلیاردها دلار در دنیا برای نفوذ در کشورهای مختلف هزینه کرده و به این طریق افرادی را تربیت می کنند که به دنبال تحقق منافع آن ها باشند. اکنون اعتبار کشورها در منطقه یا جهان برمبنای میزان نفوذشان بر کشورهای مختلف تعریف و مشخص می شود. به همین علت خیلی از کشورهای دنیا که به دنبال تأمین منافع از راه های نوین مثل دیپلماسی فرهنگی هستند، مدارسی خارجی را با صرف هزینه فراوان در کشور دوم به وجود می آورند تا نمایندگان فرهنگی برای خود تربیت کنند و حافظان منافعی در آن کشور از خود آن جامعه به وجود آورند. کشورهای ترکیه و کره جنوبی با این تفاوت عظیم فرهنگی، فیزیکی و جغرافیایی، دبیرستان هایی را در افغانستان تأسیس و هزینه هایی از این بابت متحمل شده اند تا در کشور استراتژیکی به نام افغانستان که موقعیت ژئوپلیتیک خاصی در منطقه و جهان دارد، افرادی را در راستای منافع خود تربیت کنند. کشورها فراتر از این مبلغی که ما محاسبه کرده ایم برای تحصیل مهاجران افغانستانی هزینه می کنند، حالا کودکان مهاجر بدون صرف هزینه و سختی های جذب و تأسیس یک مدرسه در کشوری خارجی، آمده اند تا در مدارس ایرانی به شیوه و سبک ما تحصیل کنند. تجربه نشان داده اگر آغوش مدارس ایرانی برای آن ها باز شود، در ایران و اروپا و افغانستان نمایندگان غیررسمی ایران می شوند. تاکنون هم این گونه بوده و مهاجرانی که در سیستم آموزشی ما تحصیل کرده اند، به هنگام برگشت به افغانستان و یا مهاجرت به کشورهای اروپایی حافظ منافع ایران بوده اند. وزیر نیروی افغانستان در دولت قبل در ایران تحصیل کرده بود و به دلیل قرابت و آشنایی، دو قرارداد با ما منعقد کرد و همین دو فقره به اندازه ۵ سال پولی بود که برای تحصیل مهاجران افغانستانی پرداخت کرده بودیم. لذا با صرف هزینه برای دانش آموزان مهاجر می توان به آینده کشور در سطح جهانی کمک کرد. نکته اصلی همین است که فقط برمبنای منفعت مادی به مسئله نگاه نکنیم، بلکه از منظر سرمایه گذاری بلندمدت موضوع مهاجرت را تحلیل کنیم.

ما در این سال ها با مهاجران زیادی روبه رو بوده ایم که در ایران مدرسه و دانشگاه رفته اند ولی بعد از پایان تحصیلات چون فرصتی برای حضور آن ها در یک شغل مناسب فراهم نشده، کشور ایران را ترک کرده و به کشورهای دیگر مهاجرت کرده اند، خیلی ها می گویند در این صورت بهره حضور این مهاجران به ما نمی رسد و عملا به نیرویی آماده برای سایر کشورها تبدیل می شوند. آیا شما هم با این مسئله موافقید؟

بله، این نکته دقیق و درستی است و متأسفانه در مورد استفاده از آن ها، موانع سفت و سختی وجود دارد. در حالی که ۱۲ سال برای آن ها در آموزش عمومی هزینه می شود، در آموزش عالی هم خود این ها شهریه می پردازند اما به هرروی ایران نیز مبالغی را صرف می کند. پس از پایان تحصیلات که باید از ظرفیت آن ها استفاده کرد، با مهاجر فارغ التحصیل خداحافظی می کنیم و تعداد زیادی از آن ها به دلیل منع قانونی حضور در ایران مجبورند کشور را ترک کنند. برای تعدادی از آن ها از جمله دخترانی که تبدیل وضعیت شده و در ایران ماندگار می شوند، امکانی برای حضور در فرصت های شغلی مناسب فراهم نمی شود. خیلی از این ها می گویند اگر اجازه زندگی و اشتغال در ایران داشته باشند، به کشور دیگری مهاجرت نکرده و در ایران ماندگار می شوند و با توجه به زحمات و هزینه ای که برای آن ها صرف شده، بهره اش به همین کشور می رسد. موضوعی که به راحتی می توان آن را به شکل قانونی حل کرد، ولی هنوز لاینحل مانده و ثمره زحمت و هزینه صرف شده، نصیب سایر کشورهایی می شود که مهاجران به عنوان مقصد انتخاب می کنند. در حالی که به عنوان نمونه گفته می شود با کمبود پزشک مواجهیم، ما دانشجویان افغانستانی زیادی داریم که در رشته های پزشکی تحصیل کرده اند و ۵ میلیون مهاجر نیز در داخل ایران حضور دارند، می توان برای ارائه خدمات پزشکی به مهاجران و یا در برخی مناطق پرتراکم از ظرفیت پزشکان مهاجر استفاده کرد، با توجه به فشار کاری پزشکان ایرانی که مراجعان افغانستانی زیادی دارند و از ۶ صبح تا ۱۲ شب باید صد تا دویست نفر را ویزیت کنند، ما پیشنهاد دادیم در مناطق پرتراکم و برای مسائل درمانی مهاجرین از ظرفیت پزشکان افغانستانی استفاده شود، یعنی حداقل کاری که می توان انجام داد، این است که از ظرفیت آن ها در چنین بخش هایی استفاده کرد.

یک نگاه منفی هم در بین برخی از مردم وجود دارد که می گویند مهاجرین، فرصت های شغلی را از آن ها می گیرند، طبیعتا یک چنین ذهنیتی هم اجازه نمی دهد مهاجران در مشاغل مختلف حضور داشته باشند. این طور نیست؟

بله متأسفانه یک چنین ذهنیتی وجود دارد و هرکاری که صورت بگیرد، یکسری از افراد ناراضی هستند. اگر محدودیت احراز شغل برای مهاجران اعمال شود و کشور را ترک کنند، خیلی از صاحب نظران می گویند حالا که وقت بهره برداری از ظرفیت آن هاست، اجازه دادید به کشور دیگری مهاجرت کنند. اگر امکانی برای فعالیت در مشاغل مناسب فراهم شود، عده ای دیگر می گویند فرصت های شغلی ایرانی ها را دودستی تقدیم نیروی غیرایرانی کرده اید. ما هنوز متوجه نشدیم که بالاخره باید چه کار کرد؟ شما اگر می گویید کشور برای این ها زحمت کشیده، پس باید آن ها را در بخش های مختلف به کار گرفت. البته افکار عمومی ما به عنوان مخاطب فضای مجازی و فضای رسانه ای تقصیری ندارند، شما وقتی با بمباران از گزاره های جعلی مخاطب را مواجه می کنید آن ها تحت تأثیر تبلیغات سوء رسانه ای قرار گرفته و تصور می کنند مهاجران فرصت های شغلی آنان را گرفته اند و بیکاری به این علت تشدید شده است، حتی بعضا برخی از روزنامه ها و رسانه های اصلاح طلب بخاطر دعوایی که با دولت مستقر دارند، به هرچیزی برای ضربه زدن به دولت متوسل شده و اغراض سیاسی و نیت های منفعت جویانه سیاسی خود را دنبال می کنند. اگر واقعیت مسئله را در نظر بگیریم، همه چیز مشخص است و بارها هم مقاماتی که مسئول بوده اند درباره آن صحبت کرده اند، از باب نمونه سردار احمدی مقدم، فرمانده سابق نیروی انتظامی در مصاحبه ای گفته بود، مسئله حضور مهاجرین افغانستانی در ایران نیاز بازار کار ایران به کارگر است، چراکه برخی از مشاغل در ایران تنها به دست نیروی کار افغانستانی انجام می شود و معمولا مهاجرین جذب شغل های کارگری می شوند، درحالی که اغلب قشر بیکار ایرانی، تحصیلکرده هستند. ایشان مثال زده بود که در یک دوره، بسیاری از مهاجران افغانستانی را از کشور اخراج کردیم و در خیلی از صنایع کشور از جمله صنعت تولید آجر بحران ایجاد شد.
یا یکی از مسئولین وزارت کار گفته بود در برخی از مشاغل که بیشتر مهاجرین افغانستانی در آن مشغول هستند، همیشه دو میلیون جای خالی وجود دارد، این آمار مربوط به ۱۰ سال قبل است و الان حتما این آمار بیشتر شده است. کشوری مثل ایران که می خواهد توسعه پیدا کند به نیروی کار نیاز دارد. درحال حاضر نرخ مشارکت در نیروی کار و آهنگ توسعه در ایران در سطوح بسیار پایین قرار دارد. این بحث که مهاجران افغانستانی اشتغال را ضعیف می کنند و... بحث های دقیقی نیست. یک بخشی هم مربوط به کارفرمایان است، آن ها از کارگر افغانستانی با پرداخت حقوق کمتر و عدم بیمه، سوءاستفاده کرده و آنان را به صورت غیرقانونی به کار می گیرند، لذا مقصر کارفرمای ایرانی است که هم در حق کارگر خود مان و هم کارگر افغانستانی ظلم می کند. آن مهاجری که به اینجا آمده، برای کسب یک لقمه نان به هرشرایطی تن می دهد. البته به استفاده غیرقانونی از کارگر افغانستانی، به خاطر خود او و به خاطر کارگر ایرانی نقد داریم و باید ساماندهی شوند. خوشبختانه گام هایی نیز از سوی دولت سیزدهم برای ساماندهی اتباع خارجی در قالب طرح سرشماری و تشکیل سازمان ملی مهاجرت برداشته شده و ماجراتحت کنترل است. سیاه نمایی های صورت گرفته نیز، دعوا و فضاسازی جدید علیه نظام حاکم است و درنهایت می خواهند به این مسئله برسند که شما در مدیریت مهاجرین ناتوانید و یا مهاجرین را آورده اید رأی بدهند و این ها یکسری جعلیات متوهمانه فضای مجازی است.

برخی مطرح می کنند که سیاست کشور ما در قبال مهاجرین مبهم است و برای یک کودک مهاجر از لحظه تحصیل در این کشور تا بزرگسالی و مسائلی که با آن مواجه است، سیاست روشنی نداریم، آیا شما هم این مسئله را تأیید می کنید، یا این که فکر می کنید اکنون وضعیت متفاوت از گذشته است؟

نمی شود گفت سیاست هایمان مبهم است. بلکه در طول ۴۰ سال، سیاست های سختگیرانه و نابخردانه ای را اعمال کردیم که اساسا فرصت محور نبوده است و خود همین لطماتی را به منافع ملی ایران وارد کرده است. سیاست پذیرفته شده اجتماعی جذب مهاجر، ادغام آنان در جامعه میزبان است، اما به مهاجران افغانستانی اجازه ادغام نمی دهیم؛ جلوی تحرک اجتماعی و فعالیت های فرهنگی و اقتصادی آن ها را می گیریم و آن ها را محدود می کنیم. وقتی مهاجران مدت زیادی اینجا هستند به نوعی شهروند محسوب می شوند و باید از همه حقوق آن برخوردار باشند، یعنی به خدمات مختلف و نهایتا به تابعیت دسترسی داشته باشند. به این مسئله اصلا توجهی نشده است. وقتی اقامت مهاجری طولانی شد باید بتوانند در جامعه شغل مناسبی داشته باشد، پس باید دسترسی هایی به انواع خدمات داشته باشد. اما کودکانی که از والدین افغانستانی در اینجا به دنیا آمده و بزرگ شده اند، چون نمی توانند تابعیت ایران را کسب کنند، طبعا امکان تحرک اجتماعی هم ندارند. طبیعتا وقتی مهاجر پس از گذشت مدتی، صلاحیت و اصطلاحا برادری خود را ثابت کرد، باید جز جامعه بشود. ولی ما، میان مهاجر افغانستانی که ۴۰ سال پیش به ایران آمده و اینجا فرزندان و نوه هایش متولد شده اند و هرسال هم مهاجر قانونی بوده و فرهنگ جامعه میزبان را گرفته و در پرونده اش حتی عبور از چراغ قرمز هم به عنوان تخلف ثبت نشده و در جنگ ایران و عراق و سوریه و هرجا که نیاز بوده حضور یافته، با مهاجری که دیروز و امروز به ایران آمده و نمی دانیم چه کسی هست، تفاوت چندانی از لحاظ دسترسی به حقوق انسانی و اولیه قائل نیستیم. یعنی مهاجر ۴۰ سال پیش امروز همان مشکلاتی را دارد که مهاجر تازه وارد دارد. این به نظرم نابخردانه است. برای مهاجری که اینجا زندگی کرده و حضورش قانونی و موجه بوده و در طول ۴۰ سال، هیچ خطری به لحاظ امنیتی و اقتصادی کشور را تهدید نکرده، باید تصمیم درستی اتخاذ کرد. اما در سیستم کاملا بروکراتیک ما برای چنین مواردی فکری نشده است. مهاجرین افغانستانی، طیف بندی های متنوعی دارند و در موج های مهاجرتی برخی استادان دانشگاه و نخبگان وارد ایران شده اند و ما اصولا در سیاست های مهاجرتی خود، مهاجران را طیف بندی نکردیم و به آن ها یک نگاه بروکراتیک، اداری، امنیتی و همیشه تهدید داشتیم. البته به تازگی اقداماتی انجام شده که نشان می دهد به سمت عقلانیت در حرکتیم. یکی از سیاست های نابخردانه ما این بود که هرکس در هرجایی احساس وظیفه می کرد، در مورد مهاجران قانونی می گذاشت. مثلا به یک باره بانک مرکزی با مسدودسازی حساب های بانکی مهاجرین شرایط را برای آن ها دشوار می کرد و یا سایر ادارات و سازمان ها تصمیم دیگری را اتخاذ و از اسا آن را ابلاغ و عملیاتی می کردند، بنابراین سرشماری و تشکیل سازمان ملی مهاجرت با هدف تصمیم گیری برای تمام مسائل مهاجرین با رعایت همه ملاحظات نشانه خوبی است، اقدامات درست و به جایی که لازم اند اما کافی نیستند.

قبلا صحبتی با هم داشتیم و شما از مشکلاتی برای ثبت نام دانش آموزان افغانستان سخن گفتید، اکنون با تشکیل سازمان ملی مهاجرت و یکپارچه سازی کارت های اقامتی مهاجران تحت عنوان کارت های هوشمند می توانیم امیدوار باشیم شرایط ثبت نام آنان در مدارس تسهیل شده و سایر مسائلی که مهاجرین با آن دست به گریبان اند حل شود؟

واقعیت این است که در سال تحصیلی جدید شرایط خوبی برای ثبت نام مهاجرین در مدارس فراهم نشد. البته رقمی به طور رسمی در مورد ریزش ثبت نام اعلام نشده و هنوز آموزش وپرورش و سازمان ملی مهاجرت رقم دقیقی را اعلام نکرده اند، ولی مشاهدات حاکی از آن است که تعداد بازماندگان از تحصیل به دلایل مختلف قابل توجه است. امسال طرحی ارائه و اجرایی شد تا جلوی ناهماهنگی در ثبت نام گرفته شود. این طرح، روی کاغذ خوب بود، اما در عمل با مشکلات بروکراتیک، ناهماهنگی، بدسلیقگی و اعمال دیدگاه های شخصی در مسئله استراتژیک تحصیل کودکان مواجه شدیم. حالا شاید تجربه اول سازمان ملی مهاجرت بوده و باید خوش بینانه تر به مسئله نگاه کنیم، ولی امسال در مقایسه با گذشته، تفاوت محسوسی را در کاهش مشکلات تحصیلی مهاجرین شاهد نبودیم. یکسری آمارهای ناامیدکننده هم ارائه شد ولی به یک باره در هفته اول و دوم مهرماه گشایش هایی صورت پذیرفت و آمار ثبت نامی ها مانند سال قبل شد. احتمالا امسال زیر ۶۰۰ هزار دانش آموز مهاجر نام نویسی کرده اند و منتظریم که اقدامات و تصمیمات اتخاذ شده به پختگی برسد و سال بعد چالش ها در روند ثبت نام به حداقل برسد.

مصاحبه ای از قول شما منتشر شده بود، مبنی براین که دانش آموزی که سال گذشته توانسته در مدارس ثبت نام کند، امسال نتوانسته است. اساسا روند ثبت نام مهاجرین در مدارس به چه نحوی است که یک سال دانش آموزان امکان را دارد و می تواند ثبت نام کند، اما سال بعد دوباره با یک مانعی مواجه شده و نمی تواند در مدارس نام نویسی کند!

سال های پیش کودک افغانستانی که در مدرسه تحصیل می کرد، ثبت نام او از فرآیندهای بروکراتیک خارج می شد. به عبارت دیگر مهاجرینی که در مدرسه تحصیل می کردند برای سال بعد نگرانی نداشتند. اتفاقی که امسال افتاد این بود که گفتند همه از اول این فرآیند را طی کنند، به این صورت که مراحل بروکراتیک از سر طی شود، همین باعث شد تعدادی از تحصیل بازبمانند، هرچند در حال حاضر روند تسهیل شده و همین امروزهم دوباره سایت را بازکرده اند تا ثبت نام انجام شود. ولی بلاتکلیفی و سرگردانی و طی کردن یک مسیر طولانی برای تحصیل کودکان افغانستانی امسال هم کاملا برقرار بود و خیلی ها قید تحصیل را زدند. امیدوارم این تجربه به تسهیل مسیر آموزش مهاجرین در آینده کمک کند.

بعضا از سوی برخی مسئولان در مورد نبود فضا و امکانات برای تحصیل مهاجرین در نظام آموزشی کشور و یا کافی نبودن تعداد معلمان اظهاراتی مطرح می شود، آیا نمی توان از ظرفیت معلمانی استفاده کرد که در موج مهاجرتی جدید پس از استقرار حکومت طالبان در افغانستان به کشور ما وارد شده اند؟ تصور می کنم بسیاری از آن ها برای تدریس به دانش آموزان هموطن خود راغب باشند. کما این که در کشور فضاهای خالی زیادی وجود دارد که می توان آن ها را به کلاس درس تبدیل کرد، آیا این طور نیست؟

این موارد را بارها به عنوان پیشنهاد مطرح و عنوان کردیم که اگر دولت برای تحصیل کودکان مهاجر در مضیقه است، راه های جایگزین زیادی وجود دارد. به عنوان مثال می توان از ظرفیت نیروهای مردمی، گروه های جهادی، بسیج مساجد و کانون های فرهنگی استفاده کرد، بهره مندی از ظرفیت مهاجرین هم می تواند راهگشا باشد. اغلب آن ها تمایل و راغب اند به این که در چنین مسیری گام بردارند، یعنی فضا کاملا برای این موضوع مساعد است و در بدترین شرایط اگر